

ماجرای عشق و عاشقی میدون

مسئله درخت



پوریا عالمی

- این روزها روز درخت‌کاری است. آیا می‌دانید درخت‌کاری چه محاسنی دارد؟

- ببینید شما درخت را می‌کارید، چندسال طول می‌کشد تا درخت بزرگ می‌شود، شاخ‌وبرگ درمی‌آورد، سایه می‌گسترد، بعد برای شهرداری کار درست می‌کنید که نصفه‌شبی بیاید و قطعش کند. این یعنی کارآفرینی، آفرین.

- شما درخت می‌کارید، کلاغ‌ها جای اینکه بیایند روی ماشین شما و کار بدهند دستان. این یعنی مدیریت منابع طبیعی.

- شما درخت می‌کارید. جوانان که شغل ندارند می‌روند سر کوچه و جای اینکه پا به دیوار بچسباندند و پوست تخمه فوت کنند بیرون، می‌روند و پا به درخت می‌چسباندند. این یعنی میدان‌دادن به جوانان و استفاده از آنان در اجتماع و پوست تخمه.

- شما درخت می‌کارید و چون جای پارکی نمانده، ماشین‌ها را موقع پارک‌کردن می‌زنند به درخت شما. این یعنی ایجاد کار برای بنگاه‌های کوچک مثل صافکاری.

- شما درخت می‌کارید و مسئولان درخت می‌کارند و شما می‌روید جنگل اشغال می‌ریزید و مسئولان یک امضا می‌کنند که جنگل تخریب و تبدیل به جاده یا زمین مسکونی شود. این یعنی همدلی مردم و مسئولان.

- شما درخت می‌کارید و برای این‌کار باید اول زمین را شخم زنید. این‌کار می‌تواند اولین فعالیت سیاسی شما محسوب شود که بعد بیاید در سیاست و به‌عنوان یک مدیر، یک اداره را شخم زنید.

- شما درخت می‌کارید و جوانان کوچه‌از درخت می‌روند بالا. این یعنی تلاش برای لابردن سطح مشارکت اجتماعی.

- شما درخت می‌کارید و عشاق روی درخت با جاقو اسم معشوقشان را می‌نویسند و قلب می‌کشند. این یعنی جوان‌گرایی و ترغیب جوانان به حالت ازدواج.

- شما درخت می‌کارید و با توجه به ترافیک بی‌پایان، آدم‌ها بعد از دوساعت ترافیک، می‌آیند و پشت درخت شما گریه می‌کنند. این یعنی ایجاد خدمات رفاهی.

وصیت: سوفیاء... عشق من... تو برای من مثل درختی هستی که می‌خواهم بهش تکیه کنم و بایات برای من مثل درختی است که می‌خواهم ارزش بالا بروم. آیا حاضری الان که فصل درخت‌کاری است، من و تو کرده‌افشانی کنیم؟ عاشق درختی تو؛ میدون دوم

نکته

۴نکته درباره اکران زینت در دانشکده حقوق

ابراهیم مختاری

- در یک خبر اینترنتی خواندم فیلم «زینت» یک روز به‌خصوص» در دانشکده حقوق و علوم سیاسی روز چهارشنبه (۱۸ اسفند) نمایش داده شد. به‌عنوان کارگردان / تهیه‌کننده از شنیدن خبر نمایش فیلم خوشحال شدم، به‌ویژه که در عصر همان روز نمایش دیگری با حضور شخصیت‌های اجتماعی دیگری برگزار می‌شد که نشان می‌داد که فیلم پس از سال‌ها هنوز زنده است. اما اشاره به چند نکته شاید مفید باشد:
۱- من برحسب اتفاق خبر نمایش فیلم در دانشکده حقوق را میان خبرهای تلگرامی دیدم. کسی برای نمایش فیلم نه به من اطلاع داده بود و نه از من اجازه گرفته بود. درواقع نه حق مؤلف رعایت شده بود و نه حق مالکیت فیلم.



- در پوستر و در زیر نام فیلم نوشته شده بود «براساس کتاب در گرگ و میش راه». درست است که شخصیت کتاب همان شخصیت اصلی فیلم است اما مقدمه کتاب «در گرگ و میش راه» شرح داده است که کتاب پس از ساخته‌شدن فیلم و از حضور زینت در شورا و از گوشش‌هایش نوشته شده است و نه برعکس.

- عکسی که برای پوستر استفاده شده برقع‌به‌رو بود و برای بیننده تصور عکسی از زینت را می‌داد، درحالی‌که رطبی به زینت نداشت که می‌توانست داشته باشد، چون زینت شخصیت فیلم (که عمرش دراز باد) خوشبختانه زنده و تندرست است.

- برگزاردگندگان این همایش، از دانشکده علوم اجتماعی و دانشکده مدیریت بودند. امیدوارم اشتباهاتی را که در یک پوستر کرده‌اند در دادن اطلاعات دیگر به تماشاگر نکرده باشند.

شترق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۹۵ ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۴۳۸ ۹ مارس ۲۰۱۷ سال چهاردهم • شماره ۲۸۲۲ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۲:۱۵ • اذان مغرب ۱۸:۲۵ • اذان صبح فردا ۴:۵۹ • طلوع آفتاب ۶:۲۲

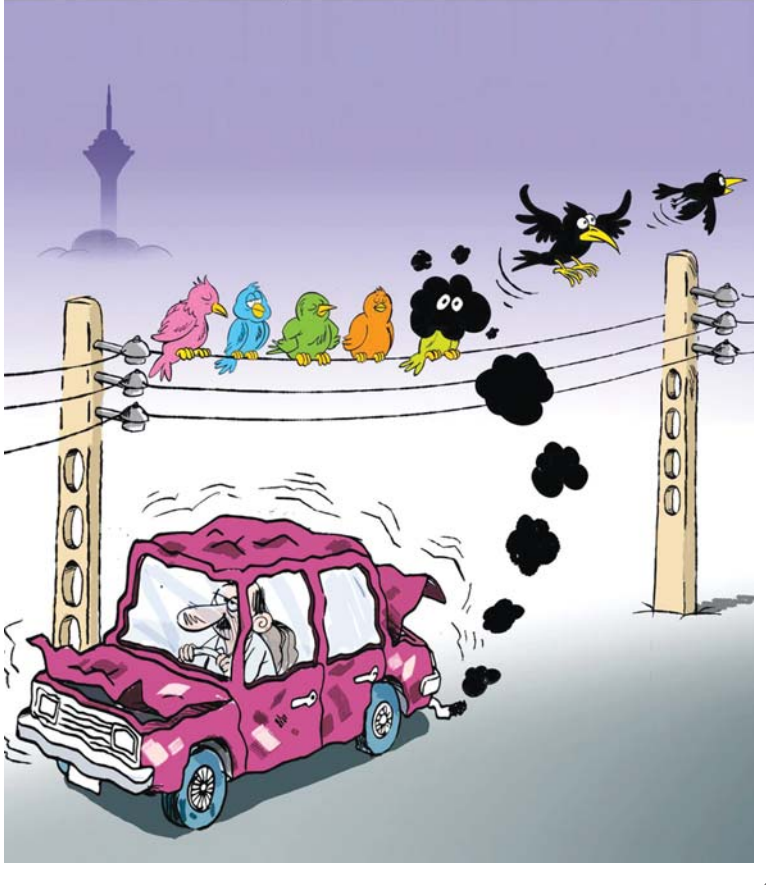
روزنفرها

کارتون خواب



علی میرایی
instagram.com/alimiraee

هوای تهران دوباره «ناسالم» شد



کافه نظر

نه به چهارشنبه‌سوری خطرناک

سعید برآبادی: نزدیکی چهارشنبه‌سوری به وقوع حادثه پلاسکو که ضربه سختی به بدنه سازمان آتش‌نشانی زده بود، زمزمه‌هایی را برای رعایت اصول ایمنی در آخرین چهارشنبه سال ۹۵ مطرح کرد. خیلی زود اما پرویز پرستویی با انتشار پستی در اینستاگرامش ضمن اشاره به زیبایی آیین‌های سنتی چهارشنبه‌سوری در ایران، از مردم خواست با پیوستن به کمپینی، مانع از آن شوند که چهارشنبه‌سوری امسال، نیروهای آتش‌نشان را دچار خستگی مضاعف کند. از سوی دیگر کمپین‌های دیگری نیز با همین هدف فعالیت خود را در دو هفته مانده به عید شروع کرده‌اند و چهره‌هایی چون پژمان بازغی، شبنم مقدمی، مهرواه شریفی‌نیا، امیرجعفری، هدایت هاشمی و دانش‌آموزان بسیاری از مدارس کشور به آن پیوسته‌اند.

فاطمه راکعی ◀ فعال سیاسی

بعد از وقوع ماجرای تلخ پلاسکو، نگرانی مردم تهران از بسیاری از مسائل افزایش یافته است. آنها بیشتر از قبل نگران زلزله احتمالی پایتخت هستند، نگرانی زیادی درباره ساختمان‌های نایمن شهر به وجود آمده و احتمالاً بسیاری از این نگرانی‌ها به‌خاطر عدم کارآمدی مدیریت حوزه بحران دوچندان شده است. اگر تلاش‌هایی از سوی مردم برای برگزاری یک چهارشنبه‌سوری آرام و ایمن در آخرین روزهای سال ۹۵ به وجود آمده است، قطعا در کنار پاسداشت یاد شهدای آتش‌نشان به این خاطر است که مردم ما در چنین مواقعی دست‌به‌کار می‌شوند و خود پا به میدان می‌گذارند. شاید گمان رایج این است که چنین کمپین‌هایی فقط روی کاغذ می‌توانند از آسیب‌های چهارشنبه‌سوری جلوگیری کنند. اما یادمان نرود که این مردم همان‌هایی هستند که در مراسم تشییع پیکر شهدای آتش‌نشان حضور چشمگیر داشتند و به‌نوعی با خود هم‌پیمان شدند که برای زندگی بهتر و ایمن‌تر تلاش کنند.

سیدحسین موسوی چلک ◀ رئیس انجمن مددکاری ایران

همان‌طور که به نظر می‌رسید، احساسات برخاسته از فاجعه پلاسکو در حال فراموشی بود، اما نیروهایی که در زمینه مسائل اجتماعی حرکت می‌کنند سعی کردند از این فرصت به‌وجودآمده یک سرمایه اجتماعی بسازند تا در تلاطم اخبار زیودرشت آخر سال، این فاجعه به فراموشی سپرده نشود. بنابراین می‌توان کمپین‌هایی را به‌نوعی یک فرهنگ‌سازی گسترده بر بستر حوادث تلخ پلاسکو دانست و از زاویه‌ای دیگر آن را در ادامه مطالبات مردمی از مسئولان پس از این حادثه قلمداد کرد. اگر قرار باشد سال آینده را سال ایمن‌سازی بدانیم، تقویت بنیه‌های فرهنگی و اجتماعی ما از همین امروز باید در اولویت قرار بگیرد. پیوستن مردم به کمپین‌هایی از این دست نشان می‌دهد که اگر آنها مسئولان را مسئول ایمن‌سازی ساختمان‌ها و تأسیسات شهر می‌دانند، خود را نیز ملزم به ایمن‌سازی سبک زندگی امروز می‌دانند. به بیان دیگر، نه گفتن به چهارشنبه‌سوری خطرناک امسال، می‌تواند تلاشی مردمی برای زنده‌نگه‌داشتن یاد شهدای پلاسکو باشد و به مسئولان این امر مهم را گوشزد کند که پلاسکو، دگرگونی‌های فرهنگی در زندگی مردم پدید آورده و یکی از دستاوردهای آن این است که بعد از سال‌ها، امسال قرار است چهارشنبه‌سوری‌ای متفاوت و آرام‌تر را تجربه کنیم.

سیدجبال ملکی ◀ سخنگوی سازمان آتش‌نشانی

پس از حادثه تلخ پلاسکو و نزدیک‌شدن به چهارشنبه آخر سال، کمپین‌های فراوانی در زمینه برگزاری یک چهارشنبه‌سوری ایمن و بی‌خطر راه افتاده است. درحال‌حاضر، از سوی مدارس زیادی به من زنگ می‌زنند و از طرف دانش‌آموزان مدرسه اعلام آمادگی می‌کنند که با امضای طوماری به چهارشنبه‌سوری خطرناک، نه گفته‌اند. چند روز پیش در مدرسه‌ای واقع در نسیم‌شهر، ما به میهمانی امضای یک طومار ۷۰متری با ۴۳ هزار دانش‌آموز داوطلب دعوت شدیم که همگی متعهد شده بودند چهارشنبه‌سوری امسال را به یاد شهدای آتش‌نشان، بدون خطر و ایمن برگزار کنند. به همین خاطر باید بگویم که امروز موجی در تهران و بسیاری از شهرهای ایران از سوی مردم در این زمینه به راه افتاده که ما هدایت‌کننده آن هستیم. خودمان هم کمپینی به راه انداخته‌ایم با عنوان «به احترام شهدای آتش‌نشان، نه به چهارشنبه‌سوری خطرناک». ما فقط به دنبال این هستیم که امسال در کنار هم یک چهارشنبه‌سوری سراسر شادمانه داشته باشیم و با هم بدون استفاده از مواد محترقه از این آیین زیبا لذت ببریم. قرار است در این کمپین با هم هم‌پیمان شویم که چهارشنبه‌سوری امسال را بدون ترقه و مواد محترقه به زیبایی هرچه‌تمام‌تر برگزار کنیم و خوشحالم از اینکه مردم این آمادگی را از پیش اعلام کرده‌اند تا در این زمینه فرهنگ‌ساز باشیم.

یاد

درخت گیلاسی به یاد کیارستمی

خود را آغاز کردید.

ما همه می‌دانستیم که درختان نامتان را می‌دانند. در لحظه‌های دل‌تنگی سراسفتان را از آب و باد و درخت گرفتیم. پاییز که رسید، از باد و باران قصه‌های شما را شنیدیم و پرواز کلاغ‌ها بر فراز کوه‌های سفید پوشیده از برف زمستانی، هزار تصویر از شما را به ذهنمان کشاند.

«زردبند» همیشه شما را به‌خاطر خواهد داشت. شاگردان شما به یاد «کارگاه‌های فیلم‌سازی»، دیروز اینجا جمع شدند تا به یاد چهارشنبه‌هایی که می‌آمدند تا با شما جهان را معنا کنند، به نام شما و به‌جای آن درخت گیلاس، نهال گیلاس تازه‌ای بکارند. آنها «زردبند» را مکانی به یاد شما می‌شناسند.

شما هرگز از یادها نخواهید رفت. من، شاگردان شما، دوستان شما و هزاران‌هزار نفر در سراسر جهان به خود می‌بالیم که زندگی‌مان در عصر «کیارستمی» گذشت و باور دارم که نسل‌های بعد از ما نیز شما را به یاد خواهند آورد. این‌ نهال گیلاس را می‌کاریم که «طعم گیلاس» آن، همچنان خاطره‌ای باشد از شما که هرگز فراموش نخواهید شد.



آکادمی

برای نجات کلان‌شهرهای زیبایی‌گش فردا دیر است

بی‌انگیزگی می‌شوند، زیرا با عدم اقبال و تشویق دیگران و حتی کارشکنی و مانع‌تراشی مسئولان شهری قرار می‌گیرند. زیبایی اغلب از درون تنوع و گوناگونی است که به بیرون سر می‌کشد. عواملان قدرت در اداره شهرها، اغلب تنوع و گوناگونی در زندگی آدم‌ها را برنمی‌تابند، زیرا تصور می‌کنند از طریق یک‌نواخت و هم‌شکل‌کردن شئون مختلف زندگی آدم‌ها، اداره آنها از بالا سبھل‌تر خواهد شد. اداره انحصاری وسایل ارتباط جمعی تصویری و محدودکردن خلاقیت‌ها در تولید زیبایی در این دستگاہ‌ها، ذوق عمومی را برای کشف زیبایی از دل زشتی‌ها کاهش می‌دهد. بنابراین تلاش در محدودکردن انتخاب براساس معیارهای زیباشناسی و جلوگیری از تنوع و گوناگونی، جامعه را به سوی همگونی و هم‌شکلی زیبایی‌گریز و متضاد با طبیعت کارکردی مغز انسان سوق می‌دهد. در چنین شرایطی است که آلودگی بصری در کلان‌شهرها به اوج می‌رسد. مردم این شهرها تسلیم زشتی و پلشتی می‌شوند، یعنی دستنکاه زیبایی‌یاب مغزشان از کار می‌افتد و در تشخیص بین زیبایی و زشتی بازمی‌مانند. این شرایط را می‌توان مشابه اشاعه درجاتی از اعتیاد دانست. یعنی زمانی‌که اکثریت افراد به آلودگی بصری معتاد و اسیر و گرفتار زشتی‌ها شوند و نتوانند مغز خود را به سوی زیبایی‌ها به پرواز درآورند و از طریق جست‌وجوی زیبایی، نتوانند هیجان، احساس، تخیل، خاطره، زبان، آگاهی و شعور خود را بیازمایند. در این شرایط اکثر این افرادی که در کلان‌شهرهای زیبایی‌گش، زندگی می‌کنند، مانند معتادانی هستند که فقط در محدوده مصرف مواد مخدر که معادل آلودگی بصری در درجات بالاست، می‌توانند مغز خود را به کش وادارند. این تصویر ناامیدوارانه از آنچه ممکن است رخ دهد، هشدار برای شهروندانی است که نمی‌خواهند تسلیم زشتی‌ها، یعنی آلودگی بصری در شهرهای خود شوند. وقت تاز است، باید هوشیارانه و آگاهانه و تابیلوهای ناخموخان و نامنظم، در مقابل آلودگی بصری، بی‌دفاع مانده‌اند. اما این اقلیت نیز که دچار



عبدالرحمن نجیل رحیم
عصب‌شناس و عصب‌پژوه

بیش از دوهزارواندی سال پیش حکیم بقراط در کتاب خود می‌نویسد: به‌هوش باشید و بدانید که این مغز ما است که زیبایی را از زشتی تشخیص می‌دهد. پس از قرن‌های طولانی، هم‌اکنون مغزیزوهان با استفاده از ابزارهای تصویربرداری مغز متوجه شده‌اند مدارهای ویژه‌ای در بخش میانی جلوسی مغز، در افتراق زیبایی از زشتی و لذت و پاداش از کشف زیبایی‌ها از درون زشتی‌ها به فعالیت مشغول هستند و در ارزیابی و انتخاب محرک‌های محیطی در ساختن دنیای ذهنی سالم ما شرکت دارند. به‌این‌معنا، آلودگی بصری که از سوی بسیاری از پژوهشگران و فعالان محیط زیست مطرح شده، چیزی نیست جز شرایط بصری کلان‌شهرها که کنش تشخیص و انتخاب زیبایی از درون زشتی‌ها را برای اکثر شهروندان مشکل کرده است. به عبارتی، در نگاهی گذرا، در فضای بصری بسیاری از کلان‌شهرها، زشتی‌ها بر زیبایی‌ها غلبه دارند. حال در این شرایط چه اتفاقی برای مغز ما می‌افتد که یکی از کارهای مهمش ارزیابی جهان اطراف را روی زشتی و زیبایی دچار اختلال می‌شود. اکثر آدمیان در شهرهای بزرگ در جنبه گرفتاری‌های روزمره برای به‌کف‌آوردن قوت لامبوت، چنان گرفتارند که فرصت و فراغت ارجاع به احساس‌های اولیه خود را ندارند و بنابراین فرصت استفاده از کنش‌های زیبایی شناختی در مغز خود، برای ارزیابی محیط زندگی‌شان را ندارند. اما هنوز اقلیتی از مردم آگاه هستند که مدغعه زیبایی‌شناختی درباره محیط زندگی اکثریت آدمیان شهرنشین دیگر را دارند که محصور در حصارهایی از آسمان‌خراش‌های نامتجانس در کنار زباله‌ها و بیلبوردها و جنگلی از تابلوهای ناخموخان و نامنظم، در مقابل آلودگی بصری، بی‌دفاع مانده‌اند. اما این اقلیت نیز که دچار

پشت جلد

زنان ایرانی همپای زنان جهان



زنان عکاس، زنان خبرنگار، زنان ورزشکار اسکی‌باز و موتورسیکلت‌سوار داریم. شاید زنان درشکه‌سوار در شهرهای توریستی نداشته باشیم؛ اما تعداد زیادی زنان لیدر تور داریم. باید باور کرد زنان ایرانی درگیر مسائل و مشکلاتی هستند، نمونه‌اش خشونت خانگی که طرح ملی نشان می‌دهد ۶۶ درصد زنان ایرانی، از اول زندگی مشترک‌شان تاکنون، حداقل یک‌بار مورد خشونت قرار گرفته‌اند. باین‌حال میزان و انواع خشونت خانگی در استان‌های مختلف ایران تنوع و تفاوت‌های زیاد و معناداری دارد.

به شکلی در حال انجام‌دادن هستند؛ هرچند برایشان جایگاه مدرنی تعریف نشده است. بسیاری از زنان روستایی ما در محل زندگی خود مشغول چوپانی به ماهیگیری هستند، برخی از زنان سرپرست خانوار مسئولیت بسیاری از کارها را برعهده دارند، حالا چه نجاری باشد چه لوله‌کشی، از آن سو شاید زن مامور پلیس موتورسوار نداشته باشیم؛ اما مأموران زن نیروی انتظامی به شکلی فعال در مأموریت‌های پلیسی حضور دارند و گاهی در حد دستبندزدن به زنان، گاهی نیز کاملاً بیشتر و به‌عنوان یک کارآگاه زنده، زنان استاد دانشگاه،

در روز جهانی زنان لوگوی کوکل عوض شده و در چند تصویر متحرک، حضور زنان مهم و تاریخی را در موقعیت‌هایی همراه با کوکبی به تصویر کشیده است، صادق خا، شهردار لندن نیز با تبریک این روز به جهان و لندنی‌ها گفته از فمینیست‌بودن خرسند است. در کمال تعجب دونالد ترامپ نیز با تبریک این روز جهانی از احترام فوق‌العاده‌اش به زنان گفته است و اینکه زنان چه نقش مهمی در اقتصاد و اجتماع ایفا می‌کنند. او از کلماتی مشابه توییت دخترش استفاده کرده است. ایوانکا ترامپ نیز نوشته زنان جایگاه ویژه‌ای در اقتصاد و اجتماع دارند. این هماهنگی جالب است. بسیاری معتقدند ایوانکا مشاور ترامپ در امور زنان است. گاردین، هم‌زمان با روز جهانی زن تصاویری از زنان سراسر جهان در شغل‌های مختلف ارائه داده است؛ زنانی در سن‌های مختلف و در پوشش‌های گوناگون و از کشورهای مختلف. یکی آتش‌نشان است و دیگری تعمیرکار و دیگری در آزمایشگاه پلیس کار می‌کند، یکی دیگر گزارشگر است، آن یکی عکاس آزاد، دیگری پلیس است، دیگری عضو ارتش، آن یکی در سورهی می‌چنگد، دیگری خلبانی از روسیه است، زنی دیگر ورزشکار است و زنی دیگر چوپان است و دیگری ماهی‌گیر. هرکدام هم از سختی‌های کار خود آگاه هستند هم رضایتی محسوس از آن دارند؛ اما نکته‌ای که می‌تواند جالب باشد این است که بسیاری از این شغل‌ها را زنان ایرانی